

A Look at the Characteristics of Ka's Al-Keram Saqinameh by Ma'in-ud-Din Ahmed Faiz Kashani

Alizadeh Shoroki, Zahra

PhD. Student, Department of Persian Language and Literature, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran

Sadeghzadeh, Mahmoud (Corresponding Author)

Professor, Department of Persian Language and Literature, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

E-Mail: sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir

Heydarinia, Hadi

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran

Abstract

Saqinameh is one of the most heartwarming types of Persian poetry, in which various themes are used. In Saqinameh of Mo'in-al-Din Ahmad of Kashan, the poet sings some couplet to the Saqi and the Musician, then asks them to play the instrument and sing. This research was done in a descriptive-analytical method, relying on library resources. This article defines the characteristics of the Mo'in-al-Din Ahmad bin Mohsen Feyz Kashani. The importance of this research is that it includes interpretations and descriptions of the saqi, wine, pub, Tavern, musical instruments and songs, as well as mystical themes. A review of the themes outlined in the poetry of Mo'in-al-Din Ahmad shows that in the most important part of the Saqinameh, which is the condemnation of the world and people, he speaks in the position of mystic and preacher with a more believable view of the instability and ephemeral nature to make his audience aware of the world of the hereafter that he will stop doing evil and gathering money. The wine in the book of Mo'in-al-Din Ahmad is mystical and divine love, and considers it the same feeling of happiness connected to the beloved of Eternity. Another point is the presence of Khayyam thought in the poet's book.

Key Words: Lyrical poetry, Saqinameh, Ka's al-Keram, Mo'in-al-Din Ahmad, common themes.

Citation: Alizadeh Shoroki, Z.; Sadeghzadeh, M.; Heydarinia, H. (2024). A Look at the Characteristics of Ka's Al-Keram Saqinameh by Ma'in-ud-Din Ahmed Faiz Kashani. *Journal of Studies in Lyrical Language and Literature*, 13 (49), 28-41.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Studies in Lyrical Language and Literature. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



نگاهی به شاخصه‌های ساقی‌نامه‌سرایی در کأس‌الکرام معین‌الدین احمد فیض کاشانی

زهره علیزاده شورکی^۱

محمود صادق‌زاده^۲

هادی حیدری‌نیا^۳

چکیده

ساقی‌نامه یکی از دل‌انگیزترین انواع شعر فارسی است که در آن مضامین متنوع به کار می‌رود. شاعر در ساقی‌نامه ابیاتی را خطاب به ساقی، مغنی و مطرب می‌سراید و از او طلب باده و نواختن ساز و سرود می‌کند. این پژوهش، به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای نوشته شده است. در این مقاله به تعریف و تبیین ویژگی‌های ساقی‌نامه معین‌الدین احمد بن محسن فیض کاشانی پرداخته شده است. از این جهت که این پژوهش دربردارنده تعبیرات و توصیفات درباره ساقی، باده، میخانه، مطرب، آلات و نغمات موسیقی و همچنین مضامین عرفانی است اهمیت دارد. بررسی مضامین طرح شده در شعر معین‌الدین احمد نشان می‌دهد که وی در مهم‌ترین بخش ساقی‌نامه که نکوهش روزگار و مذمت اهل آن است، در جایگاه عارف و واعظ، با نگاهی اعتقادی بیشتر از ناپایداری و زودگذر بودن هستی سخن می‌گوید، تا مخاطب خود را متوجه عالم آخرت کند که دست از بدکاری و مال‌اندوزی صرف بردارد. شراب هم در ساقی‌نامه معین‌الدین احمد، می‌عرفانی و محبت الهی است و شاعر آن را همان حس سرخوشی وصل با محبوب ازلی می‌داند. نکته دیگر حضور تفکر خیامی در ساقی‌نامه این شاعر است.

کلیدواژه‌ها: شعر غنایی، ساقی‌نامه، کأس‌الکرام، معین‌الدین احمد کاشانی.

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۲. استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسئول) sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir

۳. دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۱. مقدمه

نسخه خطی «کأس‌الکرام» از متون غنایی و عرفانی دوره صفوی است. این نسخه خطی، بازمانده از قرن دوازدهم هجری است و از این اثر تک‌نسخه خطی‌ای در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی موجود است. معین‌الدین احمد بن محسن فیض کاشانی از خاندان بزرگ ملاصدرای شیرازی است، ملاصدرا پدرِ مادری وی و پدرش علامه محسن فیض کاشانی است. دیباچه کأس‌الکرام به نثر مصنوع نوشته شده است. در متن کتاب مطالب متنوع و غامض علمی با نثری روان و ساده و به دور از پیچیدگی آمده که بر اهمیت بررسی این نسخه خطی تأکید می‌کند. کاربرد اصطلاحات ساقی‌نامه‌سرایی، خمیه‌ها، علوم و فنون و به کار بردن جملات کوتاه از خصوصیات اصلی و ویژگی‌های این نسخه به‌شمار می‌رود. معین‌الدین احمد در این نسخه هم از شاعران ساقی‌نامه‌سرا و هم از اندیشه و تفکر شاعرانی چون حافظ، رضی‌الدین آرتیمانی و پرتوی شیرازی بهره گرفته است. افکار عرفانی معین‌الدین احمد در توضیحاتی که درباره اصطلاحات عرفانی می‌دهد، متجلی و نمایان است. همچنین تأثیرپذیری مؤلف از شاعران پیشین به ویژه مولوی، سعدی، شیخ محمود شبستری، حافظ، عطار و جامی مشهود است. علامه معین‌الدین احمد بن محسن کاشانی، متولد پانزدهم رجب سال ۱۰۵۶ ق. متخلص به «روح»، پسر دوم ملا محسن فیض، از فقها و محدثان مشهور است. فیض کاشانی پدر وی، اشعاری را به مناسبت تولد معین‌الدین سروده است:

بحمدالله که فرزندی مبارک
خود ز فیض خود به فیض خداداد
علی کنیت به او بخشید و احمد
ز امر نام او احمد فرستاد
برای روز و ماه و سال مـولد
«ولید یوم استفتاح» کن یاد
(فیض، ۱۳۷۱: ۲۸)

«ولید یوم استفتاح» معادل سال ۱۰۵۶ به حساب ابجدی است. در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی مرعشی، از معین‌الدین احمد بن محسن فیض کاشانی این آثار ثبت شده است: «ذریعه الابتهاال: ادعیه قنوت و سجود»؛ «کأس‌الکرام»؛ شرح قصیده حیاة القلوب.

پیشینه پژوهش

درباره کأس‌الکرام هیچ نوشته مستقلی وجود ندارد. فقط نویسندگان این مقاله بیشتر مقاله‌ای با عنوان «معرفی و بررسی نسخه خطی کأس‌الکرام» (۱۴۰۱) منتشر کرده‌اند که در آن ضمن معرفی نسخه خطی، به بررسی دیدگاه مؤلف کأس‌الکرام در باب آفرینش انسان و عشق به خداوند پرداخته شده است.

۲. بحث

۲-۱. ساقی‌نامه

ساقی‌نامه و مغنی‌نامه به وزن‌ها و قالب‌های مختلفی سروده می‌شود، اما اساساً ساقی‌نامه «نظم مخصوصی است که به صورت مثنوی و در بحر متقارب گفته می‌شود» (قزوینی، ۱۳۴۰: سی و یک). ساقی‌نامه شعری است که شاعر در آن از ساقی به گونه‌های مختلف درخواست «می» می‌کند، از خود می‌ویزد و ویژگی‌هایش می‌گوید، سپس متوجه مغنی می‌شود و از او نیز سرودی مناسب حال خود و بزم می‌خواند و از روزگار و دیگر مسائل می‌گوید. با این توصیف، ساقی‌نامه، «نوعی» است با موضوع می و میخانه و هر آنچه مربوط به این حوزه است (جوکار، ۱۳۸۵: ۹۹). ساقی‌نامه‌سرایی از موضوعات محبوب عصر صفوی بوده است.

عصر صفوی از ممتازترین دوران ساقی‌نامه‌سرایی در ادب فارسی است. در این دوره ده‌ها شاعر ساقی‌نامه‌سرا در مضامین گوناگون سروده‌های خود را در ابعاد دینی و دنیوی به نظم درآورده و آثاری از خود برجای گذاشته‌اند. نمایه‌های شراب در

شعر عارفان ایران که از سده ششم با سنایی غزنوی آغاز شد و تا عصر حاضر به حیات خود ادامه داده است، برخلاف اشعار باده‌گساران پیشین، اخلاقی بودن آن‌هاست. شراب و می در این ساقی‌نامه‌ها نامی است مجازی که آدمی را به ملکوت و عرش خدا می‌رساند و به احدیت پیوند می‌دهد (حسینی کازرونی، ۱۳۸۶: ۳۴). در دوره صفویه ساختن ساقی‌نامه از رکن‌های اصلی شاعری و از انواع مهم و معتبر شعر شمرده می‌شد. این اقبال به ساقی‌نامه‌سرایی می‌تواند به این دلیل باشد که شاعران عهد صفوی در ساقی‌نامه‌های خود علاوه بر بیان احوال لطیف باطنی و هیجانات پرشور روحانی و عاطفی، به موضوعات حکمی، اخلاقی و عرفانی نیز توجه و عنایت خاصی داشته‌اند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۶: ۳). در عصر صفوی، به دلیل کثرت و اهمیت ساقی‌نامه‌ها مجموعه‌هایی از ساقی‌نامه‌ها را به صورت کتابی جمع‌آوری کرده‌اند. شخصی به نام «میرعیسی» مجموعه «خمکده» را که شامل صد و بیست ساقی‌نامه است، جمع‌آوری کرد و بعدها ملاعبدالنبی قزوینی تذکره معروف «میخانه» را - درباره گروه بزرگی از ساقی‌نامه‌گویان تا زمان خود- تألیف کرد. مضامین ساقی‌نامه‌های عصر صفوی که در اشعار «معین‌الدین احمد» نیز آمده، در ادامه بیان می‌شود.

۲-۲-۱. توصیف ساقی

از آنجا که شراب را وسیله‌ای برای زدودن غم و آوردن شادی و زایل کردن موقت عقل و آگاهی می‌دانند، ساقی نیز کسی است که با پیمودن شراب به باده‌پیمایان آنان را مست می‌کند تا غم دنیا را فراموش کنند و سرخوش و شاد شوند. به هر حال میخانه در ادبیات کهن سابقه‌ای طولانی دارد، ساقی‌ای که در ساقی‌نامه‌های عصر صفوی آمده است، معمولاً دارای مقصود و معنی‌ای غیر از معنی ظاهری آن است.

مخاطب قرارداد ساقی، گاهی مستقیم و گاه با توصیف و تعریفاتی همراه است. در ساقی‌نامه‌ها بارها ساقی را مورد خطاب قرار می‌دهند و با ساقی، «بده‌بستان» دارند. گاهی ساقی برابر است با باده‌فروشی که خدمتکار خوب روی خرابات است و گاهی برابر است با معشوق و محبوبی که در عین یاری به ساقی‌گری می‌پردازد، یا به معنای عرفانی برابر با معشوق ازلی است. ساقی، کلیدواژه‌ای که در ساقی‌نامه‌ها عنصر اساسی است، در اشعار معین‌الدین احمد نیز جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چرا که با مضامین عرفانی و فلسفی همراه شده است:

به ساقی بگو تا مرا می، دهد بگویش که لاشیء را شی دهد

(کأس‌الکرام: ۳۲۱)

۲-۲-۲. شراب و ویژگی‌های آن

ساقی در كأس‌الکرام «می»‌ای را می‌دهد که جان‌فزا و غم‌زدا است؛ شرابی که ساقی آن رضوان، فشارنده‌اش حور و غلمان، تاکش از باغ‌های جنان، خاکش از فوق هفت آسمان، آبش از چشمه سلسبیل، خم آن برتر از نه فلک، سبویش در دست ملک باشد، جامش از طین روحانیان، مخمر شده به تخمیر کروبیان است و مزاج آن از تسنیم و کوثر که جهان از عطر آن معطر شود، سپس به توصیف تسنیم می‌پردازد:

ز جای بلند آید آن می فزود که تا قرب حق بخشدم زود زود

(کأس‌الکرام: ۱۲۶)

ابیات مکرر در توصیف شراب تسنیم است و ساقی شرابی را برایش می‌آورد که از تسنیم است:

در آن بزم تسنیم دارد لقب شرابی مقرب بود ز آن شراب

(همان: ۱۲۸)

شاعر این چنین در برابر تسنیم سر فرود می‌آورد:

فرود نایدم جز به تسنیم سر که دارم ز شوق آتشی در جگر
(همان: ۱۴۳)

و از خداوند می‌خواهد که با خوردن آن شراب تسنیم به قرب حق نائل شود:

که آن می‌برای مقرب بود که آن می‌سزای مقرب بود
(همان: ۹۸)

و با تقرب به حضرت حق به شهود برسد و از خودی و انانیت برهد:

ز قرب سجودش نصیبی دهی ز عین شهودش نصیبی دهی
مقرب شود گر شهودش دهی ز خود بگذرد گر وجودش دهی
وجود و شهودش بدان می‌شود که لاشیء از فیض شی‌شود
(همان: ۱۴۸-۱۵۰)

و باز تأکید می‌کند که همان باده پاک تسنیم نام به او داده شود که انانیت و من را از او بگیرد:

همان باده پاک تسنیم نام که از لطف گویش خالی است جام
(همان: ۱۶۶)

شرابی که بیضاست للشاربین شود خیره زان دیده حور عین
(همان: ۱۶۷)

از آن می‌که من را ز من کم کند تو از جان و جان را ز تن کم کند
(همان: ۱۸۰)

از آن می‌که تا جا کند در دماغ روان یابد از ماسوی الله فراغ
(همان: ۱۸۱)

در عین حال، واکنش می‌در سر، روشن شدن فکر و ذهن عارف است و اگر از عشق سرچشمه بگیرد، خماری و زکامی هم در پس ندارد:

از آن می‌که چون جا کند در دماغ شود کاسه سر در شب چراغ
(همان: ۱۶۹)

شرابی که از عشق یابد قوام بری از خماری و عری از زکام
(همان: ۱۷۰)

البته روشن است که شراب در ادبیات عرفانی به گفته لاهیجی عبارت است از: «ذوق و وجدان و حالی که از جلوه محبوب حقیقی ناگاه بر دل سالک عاشق روی می‌نماید و سالک را مست و بیخود می‌کند» (۱۳۹۳، ۶۵۱). نکته قابل توجه در ساقی‌نامه معین‌الدین احمد، عرفانی بودن تمام وجوه این نوع ادبی در شعر وی است. راوی از ساقی می‌خواهد که همان باده احمدی را به او بدهد تا زندگی او سرمدی و جاودان گردد و دین و مذهب خود و نیز تعلق خود را به پیامبر ابراز دارد:

از آن باده ساده احمدی که گردد از آن زندگی سرمدی
(کأس‌الکرام: ۴۵۳)

۲-۲-۳. توصیف شراب

هر شراب ساقی خاصی دارد؛ ساقی شراب محبت، ذات باری تعالی است. در ادبیات فارسی تعریف و توصیف «می» در ساقی‌نامه‌های قرن یازدهم و دوازدهم قابل ملاحظه است و طیف وسیعی از تعابیر و توصیفات را دربرمی‌گیرد. در ساقی‌نامه «معین‌الدین احمد»، بیشترین تمرکز توصیفی مربوط به توصیف «می» و «باده» است. پاره‌ای از این توصیفات عبارتند از:

آب آتش نشان

بده ساقی آن آب آتش نشان بده ساقی آتش آب شان
(همان: ۳۶۷)

دختر تاک

بیفشاند از خویش این خاک را به بر گیرد آن دختر تاک را
(همان: ۹)

البته این تعبیر کهن است و در شعر رودکی و منوچهری نیز به کار رفته است. وی با این مفهوم مضمون آفرینی های بسیار کرده است که در شعر خمریه سرایان پس از خود به عاریت گرفته شده است.

صور اناالحق

در نگاهی عرفانی، با نوشیدن شراب، عارف می تواند در صور اسرافیل به جای دمیدن و زنده کردن آدمیان، ندای اناالحق بزند و خود را هم بر جای گذارد و تماماً حق شود:

بده تا که صور اناالحق زخم بمانم انا و همه حق شوم
(همان: ۴۲۱)

شکر تلخ سان / تلخ شکرشان

بده ساقی آن شکر تلخ سان بده ساقی آن تلخ شکرشان
(همان: ۳۶۹)

شراب را به سبب مزه ای که دارد، تلخ می دانند، ولی از نظر سرخوشی ای که حاصل می کند، آن را شکر می دانند و در این بیت معین الدین بازی زبانی و بدیعی به کار گرفته است. تعبیر و تو صفیات دیگر از قبیل آب حیوان، شوخی دلبران، ستر مستوریان، جام گیتی نما، جرعه شاهوار، مایه دلخوشی و لعل تر در ساقی نامه کأس الکرام معین الدین احمد به چشم می خورد.

۴-۲-۲. توصیف جام

شراب در تمدن، فرهنگ و ادب ایرانی جایگاهی دارد که آثار آن در همه عرصه ها مشاهده می شود و شاید از این رو است که حتی در متون کهن اساطیری و افسانه ای، خاستگاه شراب را قلمرو جغرافیایی ایران دانسته اند و کشف یا اختراع آن را با از سدک تفاوت هایی در شیوه روایت به جمشید و یا کیقباد نسبت داده اند (ر.ک: خیام، ۱۳۱۲: ۷۰-۶۵). در ادبیات عرفانی جام و نوشیدن شراب همچون جام جهان نما، تمام رازهای هستی را برای آدمی آشکار می کند و عارفان اغلب جام جم را به دل تعبیر کرده اند.

در ساقی نامه ها جام و مترادفات آن از قبیل مینا، خم، سیو، رطل، صراحی، خنب، ساغر و پیمانان بارها در ست مایه مضمون آفرینی و هنرپردازی شاعران عارف قرار گرفته است. جام و ترکیبات آن مکرر به صورت ترکیبات وصفی و اضافی در کأس الکرام به کار رفته است، برخی از این ترکیبات به کاررفته در اشعار معین الدین احمد عبارتند از:

جام گیتی نما

بده ساقی آن جام گیتی نما که در هر چه بینم ببینم خدا
(همان: ۳۷۳)

جام مسکوب

بده ساقی آن جام مسکوب را که خالص کنم قلب معیوب را
(همان: ۴۵۰)

شاعر در این بیت به کاربرد درمانی ظرف م سسی برای قلب توجه دارد و در معنای پنهان بیت کنایه فروتنانه‌ای به قلب سالک می‌زند که تعبیر عرفانی مورد نظرش را بیان کرده باشد.

صهبای ظرف

از آن می که ناید به صهبای ظرف نگنجد صفاتش به مینای حرف
(همان: ۸۰۷)

رطل گران

سبک خیز و رطل گرانم بده ز سنگین عمامه امانم بده
(همان: ۴۹۹)

یکی از ویژگی‌های ساقی‌نامه معین‌الدین اشارات فراوان به مسائل اجتماعی است. در این بیت وی به سنگینی عمامه بر سرش اشاره می‌کند که با سبک خاستن ساقی و ریختن رطل گران، سر او را خوش می‌کند و از عمامه برات رهایی می‌دهد.

۲-۲-۵. توصیف مغنی و مطرب

مطرب آن است که نواختن ساز و آوازخواندن را پیشه خویش قرار دهد و مردم را به نشاط آورد. مغنی نیز رام شگر، نوازنده، آوازخوان و سرودگوی است. «در اصطلاح صوفیه، فیض‌رسانندگان و ترغیب‌کنندگان را گویند که به کشف و شهود رموز و بیان حقایق، دل‌های عارفان را معمور می‌دارند. نیز به معنی آگاه‌کنندگان عالم ربّانی هم آورده‌اند. بالاخره پیر کامل و مرشد کامل را نیز مطرب گویند» (سجادی، ۱۳۷۰: ۷۲۷).

۲-۳. وجوه اشتراک ساقی‌نامه‌ها

۲-۳-۱. سوگند و قسمیه

رواج و کارکردهای گسترده سوگند در میان مردم موجب شد تا این آیین در ادب فارسی و به‌خصوص ساقی‌نامه‌های عصر صفوی، بازتاب گسترده‌ای یابد. سوگند و مناجات در ساقی‌نامه‌های عصر صفوی از مضامینی است که برخی از شعرا، در ساقی‌نامه‌های خویش به آن پرداخته‌اند. میررضی‌الدین آرتیمانی و ظهوری ترشیزی از ساقی‌نامه‌سرایانی هستند که سوگند را در ساقی‌نامه‌های خود آورده‌اند. همچنین سوگند در ساقی‌نامه‌های معین‌الدین در نسخه کأس‌الکرام نیز آمده است.

رضی‌الدین آرتیمانی در ساقی‌نامه‌اش پروردگار را چنین سوگند می‌دهد:

الهی به مستان میخانه‌ات به عقل آفرینان دیوانه‌ات
الهی به آنان که در تو گُمند نهان از دل و دیده مردمند
به دریاکش لُجّه کبریا که آمد به شانش فرود اَنما...
به شام غریبان به جام صبوح کز ایشانست شام سحر را فتوح
کز آن خوبرو چشم بد دور باد غلط دور گفتم که خود کور باد
(کأس‌الکرام: ۵۶۷)

و نیز در اشعار معین‌الدین احمد در ذکر سوگند:

الهی الهی به پاکیزگان به آتش درونان تر دیدگان
 به صافی درونان خلقان لباس به دل داغداران بر لب سپاس
 به گم کرده خویش از بهر تو به جوینده لطف در قهر تو ...
 بسوزان به می پرده هستی ام به هستی خود تازه کن مستی ام
 بکن پاک جانم ز آلودگی ز غیر خودم بخش آسودگی
 (کأس الکرام: ۸۵- ۱۸)

۲-۳-۲. اغتنام فرصت و ابن الوقت بودن

یکی از ویژگی‌ها و مضامین ساقی‌نامه‌ها ا شتمال آن‌ها بر ناپایداری دنیا و ضرورت اغتنام عمر است. نباید بر هستی بی‌ثبات این دنیا تکیه کرد؛ زیرا آدمی باید تا مهلت حیات او سر نرسیده به نقد وقت خویش بیندیشد و آن را دریابد. از آنجا که دل بریدن از دنیا و دل بستگی به عقبی را از نوع نقد به نسیه می‌دانند، غم خوردن را شایسته نمی‌دانند.

ابن‌الوقت بودن و اغتنام فرصت و خوش‌باشی، از مضمون‌ها و درون‌مایه‌های اشعار معین‌الدین احمد نیز هست که ریشه در اندیشه‌های خیامی او دارد. در اشعار این شاعر وجوه مشترکی با شعر شاعران منتخبی که اشعار آن‌ها در نسخه کأس الکرام ذکر شده، وجود دارد. چنان‌که همین تفکرات با تعبیرهای گوناگون در ساقی‌نامه‌ها آمده است. پاره‌ای از این تعبیرها عبارتند از:

تو را خودنمایی ز قیل و ز قال منم بیخود از نشئه وجد و حال

(همان: ۵۴۵)

مغنی تو هم ساز کن بربطی بیا ساقی از باده پر کن بطی

که با هم نشینیم و عیشی کنیم دمی خوش برآریم، طیشی کنیم

(حافظ: ۲۵)

مغنی کجایی که وقت گل است چمن‌ها پر از غلغل بلبل است

(همان: ۲۱)

۲-۳-۳. نکوهش دنیا و اهل آن

مهم‌ترین بخش ساقی‌نامه‌ها که از منظر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی قابل توجه است، بخش «نکوهش روزگار و بیان اندوه شاعر از وضع موجود» است که گاه با عنوانی مشخص از دیگر بخش‌ها جداست و گاه بی‌عنوان و در میان بیت‌های ساقی‌نامه آورده شده است. می‌توان گفت این بخش، دیگر قسمت‌ها را نیز به دنبال خود توجیه می‌کند. در همین جا است که شاعر می‌گوید حالا که نمی‌شود در عالم هوشیاری بر جهل و جاهلان و ریا و ریاکاران و زوال خوشی‌ها اعتراض کرد و از ستم و ستمگران انتقام گرفت، پس باید به عالم ناهوشیاری پناه برد یا دست کم چنین وانمود کرد. در این صورت می‌توان ناگفتنی‌ها را فارغ از هر که و هر چه فریاد کرد (جوکار، ۱۳۸۵: ۱۰۳)؛ لذا ساقی را خطاب قرار می‌دهد و هر چه روح سرکشش می‌خواهد از او می‌طلبد.

همان‌طور که گفته شد، نکوهش روزگار و مذمت اهل آن، به‌خصوص زاهدان ریاکار و تعریض یا خطاب به آن‌ها مضمون بسیاری از ساقی‌نامه‌ها است. ناپایداری و بیهودگی جهان و نکوهش آن در تمام ساقی‌نامه‌ها آمده است. معین‌الدین نیز از گذشته‌ها یاد می‌کند و بی‌ثباتی جهان را فریاد می‌زند. در ساقی‌نامه ترشیری و در خردنامه اسکندری نیز که در کأس الکرام درج شده به این نکته اشاره می‌شود:

کجا شد فریدون و تاج زرش کجا رفت اسکندر و کشورش
 (کأس‌الکرام: ۶۴۳)

ندارد وفا بانوی روزگار چو جم کشته هر گوشه، شوهر، هزار
 (ترشیزی: ۲۶۵)

ز فانی وفاداری امید نیست چه سود از متاعی که جاوید نیست
 (خردنامه اسکندری: ۳۴۹)

چه شد تخت کیخسرو و جاه او چه شد رستم و بیژن و چاه او
 (کأس‌الکرام: ۷۴۳)

می‌توان گفت که این ساقی‌نامه‌ها نوعی واکنش فردی است در قبال زندگی و جهانی که مطلوب شاعر نیست؛ شعری آرمان‌خواهانه و حتی اعتراض‌آمیز. این شعر میدان تاخت و تاز طبع خسته و درمانده کسان است که برای فراموشی غم و اثبات بی‌ثباتی خوشی‌ها به مستی و بی‌خویشی پناه می‌برند. شاعر شور شگرانه برای گریز از ریا، دم از باده می‌زند و برای دوری از ریاکار دست به دامن ساقی می‌شود و رندانه و مستانه در لابلاي شعر خویش و با عنوان مذمت روزگار داد خود از کهنتر و مهتر می‌ستاند و گاه چنان بی‌پرده سخن می‌گوید که شعرش با شطح و طامات درمی‌آمیزد (جوکار، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

در واقع ساقی‌نامه‌های عصر صفوی گنجینه بی‌نظیری از این توصیفات به شمار می‌آیند. مضامین و محتوای ساقی‌نامه‌های اشعار معین‌الدین احمد، در بی‌وفایی دنیا و شکایت از آن، ناپایداری زندگی و نیز غم و شادی آن، عجز و ناتوانی از گشودن راز هستی، اغتنام فرصت، عبرت گرفتن از گذشتگان و سرنوشت آن‌ها و پرهیز از غم و اندوه، آوردن اشارات فراوان اساطیری، تاریخی و دینی که هریک از این تلمیحات بیانگر بی‌ثباتی و ناپایداری مقام و منزلت دنیوی است:

چه‌ها دید عاد از غم صرصرش چه شد قیصر و تبع و آن حمیرش
 به فرعون و هامان و نسرش چه کرد به نمرود و شداد و قصرش چه کرد
 به پیغمبران و امامان چه کرد به اصحاب و اتباع ایشان چه کرد
 (همان: ۷۴۶-۷۴۸)

نستند طرفی ز آسایشش نبردند قدری ز افزایشش
 به غیر از جفا نیست در مهد او به غیر از عنا نیست در جهد او
 کنارش مگیر و میانش به موی ز تنگ دهانش مکن گفتگوی
 میاور به لب حرف دندان او حذر کن ز چاه زنخدان او
 (همان: ۷۶۹-۷۷۰)

در پایان با گله‌مندی از همه بی‌وفایی‌ها و بی‌اعتباری دنیا، از ساقی می‌خواهد که به او از خم و سبو می‌بدهد که غم‌هایش را فراموش کند:

بیا ساقیا انتظارم مده که شد غصه دهر در دل گره
 هزاران خم و صد هزاران سبو بریزم به یک جرعه اندر گلو
 (همان: ۸۰۰)

۲-۳-۴. سخن عشق

از اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم، عشق و مشتقات آن در شعر صوفیانه فارسی حضور یافت. ابو سعید ابوالخیر از نخستین صوفیانی است که شعر عاشقانه فارسی به او نسبت داده شده یا از زبان او نقل شده است (میهنی، ۱۳۵۷: ۱۶). گرچه برخی عارفان و صوفیان با به کار بردن این واژه موافق نبودند، اما امروزه شاهد هستیم که این حضور چه نتایج مفیدی در پی داشته است.

عشقی که معین‌الدین احمد در صدد تبیین آن است، حسنی ازلی است که به معشوق حقیقی اختصاص دارد و گاه‌گاه جلوه‌هایی از آن از روزن وجود مخلوق و در آینه هستی جلوه‌گر می‌شود:

ای تو آینه تجلی ذات نسخه جامع جمیع صفات
(کأس الکرام: ۱۱۸)

مؤلف «کأس الکرام»، بر این است سرّی که خداوند در درون از سان‌ها قرار داده، همان ودیعه عشق است که به‌عنوان گوهری در گنجینه سینه آدمی نهاده شده است و مقصود خداوند از نهادن این ودیعه ارزشمند در درون آدمی، اظهار محبت و عشق خود به آدمی است تا اغیار نتوانند به آن راه یابند:

دو عالم ز صهبای عشق است مست یکی ذره نبود که او نیست مست
به یک جلوه شاهد گل‌عذار هزاران هزاران هزار است زار
به یک نغمه مطرب از چنگ عشق ز مه تا به ماهی در آهنگ عشق
به یک جام ساقی ز خمّ الست دو گیتی ز شوق بلی گشت مست
(همان: ۱۴)

۲-۳-۵. در نعت، مناجات و سوگند

سوز و گداز شاعر با معبود حقیقی در كأس الکرام که برگرفته از وجدان بیدار و آگاه شاعر است جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است:

سپاس از دل پاک آن پاک را که هستی دهد جوهر تاک را
(همان: ۱)

شعر مناجات با خدا برآمده از اعماق وجود شاعر برای صحبت و راز و نیاز با خالق یکتاست:

الهی به خمخانه‌ام بار ده دلم را ز سرجوش انوار ده
روانم به نور یقین برافروز بزن آتشی در دلم غیر سوز
(همان: ۸۱۳-۸۱۴)

کریم و خطاپوش و رحمان تویی ز من جرم و زشتی ز تو نیکویی
(همان: ۹۳۱)

۲-۳-۵-۱. پند و اندرز

اندرزنامه‌ها از نظر موضوعی شامل بایدها و نبایدهای اخلاقی، دینی و اجتماعی هستند، بایدهایی که به کار بستن آنها لازم و ضروری است. اندرزنامه در بنیاد خود، حاصل تجربه انسان خردمند در برخورد با مسائل گوناگون زندگی است. از مضامین مورد توجه ساقی‌نامه سرایان نیز همین پرداختن به پند و اندرز است که در ساقی‌نامه معین‌الدین احمد راه یافته است:

شراب محبت بخواه از خدای که آسودگی یابی ز ماسوی
(کأس‌الکرام: ۱۶)

۲-۳-۵-۲. شکایت از روزگار

شکوه و شکایت از دردها و نابسامانی‌های حاکم بر اجتماع از درون‌مایه‌های شعر معین‌الدین احمد به شمار می‌رود:

به بزیون و اکسون دکان دهر نیابی تو جز دست تاراج قهر
(همان: ۷۹۰)

اجل خانه جسم ویران کند دلم را ز حیرت پریشان کند
(همان: ۱۶۵)

۲-۳-۵-۳. وصف حال و بث الشکوی

یکی از مضامین شاعر در کأس‌الکرام، شکایت از اندوه و دردی است که روزگار برایش به ارمغان آورده و این اشعار فقط برای آه و ناله کردن نیست، بلکه هدف اصلی شاعر برانگیختن عواطف و احساسات مخاطبان و همگام ساختن آنها با خود است:

همه عمر در آرزو شد تباه شد این نامه از دود حسرت سیاه
(همان: ۳۲۷)

دل و جانم از آتش شوق سوخت ز سوزش زبان شعله شد برفروخت
(همان: ۳۳۲)

۲-۴-۲. ویژگی‌های بلاغی ساقی‌نامه معین‌الدین احمد

معین‌الدین احمد با به کارگیری انواع تشبیه، استعاره، کنایه و دیگر آرایه‌های معنوی، اشعار خود را هنری‌تر کرده است. در این میان، تلمیح و انواع آن بیشترین بسامد را در ساقی‌نامه‌های او دارد.

۲-۴-۱. تشبیه

در اشعار معین‌الدین احمد، تشبیه جایگاه ویژه‌ای دارد. وی از این رکن صور خیال استفاده‌های زیادی کرده است:

شرابی که شاهین علم و عمل کند مات در بُرد عشق اجل
(همان: ۵۷۵)

۲-۴-۲. استعاره

در کأس‌الکرام، ترکیبات اضافه استعاری زیادی از نوع استعاره مکنیه وجود دارد؛ شاعر در تصویرسازی و صحنه‌آفرینی شاعرانه به نحوی که با موضوع مورد نظر هماهنگ و درخور باشد، از استعاره استفاده کرده است:

که هر قطره دارد تمنای بحر زمین را ز کأس کرام است بهر
(همان: ۱۳۲)

از جمله ترکیباتی که معین‌الدین احمد در استعاره از شراب در ساقی‌نامه‌های خویش آورده می‌توان به مَرخ زرین‌کیا، جام گیتی‌نما، مشعل کبریا، شکر تلخ‌سان، فتنه مرد و زن، سال‌خورد طریف اشاره کرد.

بده ساقی آن مرغ زرین کیا بده ساقی آن مشعل کبریا
 بده ساقی آن جام گیتی نما که در هرچه بینم بینم خدا
 بده ساقی آن فتنه مرد و زن بده ساقی آن دشمن ما و من
 بده ساقی آن سال خورد طریف که گردم ز یمنش جوان و ظریف
 (کأس الکرام، ۱۴۴)

۲-۴-۳. تلمیح

معین‌الدین احمد، در اشعار خویش از تلمیح، بهره فراوان گرفته است. در ساقی‌نامه وی ۳۷ مورد از انواع تلمیح یافت شده است. یکی از ویژگی‌های اساسی در اشعار معین‌الدین احمد، استفاده گسترده از تلمیحات دینی و مذهبی است و در اشعارش بیشترین بسامد و کاربرد را دارد:

شرابی که بیضاست للشاربین شود خیره زان دیده حور عین
 (همان: ۱۶۷)

تلمیحات تاریخی تلمیحاتی هستند که به یک واقعه یا مکان تاریخی اشاره دارند. معین‌الدین احمد از این نوع تلمیحات در ساقی‌نامه‌های خویش بسیار بهره گرفته است:

کجا شد فریدون و افراسیاب که خوردند در کاسه زر شراب
 (کأس الکرام: ۲۵۶)
 بده تا چو خضر آب حیوان خورم جوان گردم از «می» رهم از هرم
 (همان: ۶۶۶)

۲-۴-۴. مجاز

مجاز، استفاده از لفظ در معنای غیر حقیقی است که به لحاظ وجود قرینه‌ای که مانع از اراده معنی اصلی باشد. در اشعار معین‌الدین احمد حدود ۲۵ مورد مجاز و انواع آن بررسی شد.

ز جام مدام قدم دم به دم هویدا شود حادثی از عدم
 (کأس الکرام، ۵۷۶)

واژه «جام» مجازاً از شراب (با علاقه ظرف و مظروف) است.

به یک جام ساقی ز خم الست دو گیتی ز شوق بلی گشته مست
 (همان، ۲۱۳)

جام مجازاً از شراب (با علاقه ظرف و مظروف) است و گیتی مجازاً از مردم جهان (با علاقه محلیه) است.

دهد تشنگان عدم را گلو که نوشد از آن باده جام و سبو
 (همان، ۷۰۲)

گلو مجازاً از دهان (با علاقه ذکر جزء و اراده کل) است.

۲-۴-۵. کنایه

شمس قیس رازی می‌نویسد: «کنایت آن است که چون متکلم خواهد که معنی‌ای از معانی بگوید، معنی دیگر که از توابع و لوازم معنی اول باشد، بیاورد و از این بدان معنی اشارت کند» (شمس قیس رازی، ۱۳۵۳: ۳۶۳). در واقع، کنایه عبارت یا جمله‌ای است که مراد گوینده معنای ظاهری آن نباشد، اما قرینه صارفه‌ای هم که ما را از معنای ظاهری متوجه معنای باطنی کند وجود نداشته باشد. معین‌الدین احمد ۹ مورد کنایه را در ساقی‌نامه به کار برده است. نظیر «خط برکشم» به معنی باطل کنم:

از آن باده گر جرعه‌ای در کشم بر اعمال بگذشته خط برکشم

(همان: ۳۴۵)

۳. نتیجه‌گیری

از اواخر قرن دهم، سرودن ساقی‌نامه‌ها عمومیت پیدا کرد. اغلب شاعران از لحاظ سبک و روش کار ساقی‌نامه و معنی‌نامه به حافظ عنایت دارند؛ از جمله آن‌ها معین‌الدین احمد فیض کاشانی است. گاهی در این ساقی‌نامه‌ها همچون قصیده به ستایش ممدوح پرداخته‌اند. گذشته از این، انواع دیگری از شعر از قبیل ترجیع‌بند، ترکیب‌بند و حتی رباعیاتی با مضمون و محتوای ساقی‌نامه سروده می‌شود. در میان این سراینندگان، بعد از حافظ، حکیم پرتوی، ظهوری ترشیزی، رضی‌الدین آرتیمانی شاعرانی هستند که در نسخه خطی کأس‌الکرام اشعاری از ایشان نقل شده است. از مهم‌ترین بخش‌های ساقی‌نامه، نکوهش روزگار و مذمت اهل آن، به‌خصوص زاهدان ریاکار و تعریض یا خطاب به آن‌ها است. معین‌الدین در جایگاه عارف و واعظ با نگاهی اعتقادی بیشتر از ناپایداری و زودگذر بودن جهان سخن می‌گوید تا مخاطب خود را متوجه عالم آخرت کند و دست از بدکاری و مال‌اندوزی صرف بردارد، ضمن اینکه این بخش اساساً فضایی را ایجاد می‌کند تا شاعر هر آنچه را نتوانسته به دست آورد با هر دلیلی، به دهر و روزگار غدار حواله دهد و خود را بری بداند. درباره شراب هم علامه معین‌الدین احمد، می‌عرفانی و محبت الهی را مد نظر داشته و آن را همان حس سرخوشی و صل با محبوب ازلی می‌داند. نکته دیگر حضور تفکر خیامی در ساقی‌نامه این شاعر است که البته جزو مضامین طرح‌شده در ساقی‌نامه‌های دیگر نیز هست.

منابع

- ابوالقاسمی، سیده مریم (۱۳۸۶). تأملی بر ساقی‌نامه حکیم فغفور گیلانی. فصل‌نامه پژوهشنامه علوم انسانی. ۱۴ (۵۴)، ۱۸-۱.
- ثروت، منصور (۱۳۷۸). گنجینه حکمت در آثار نظامی. با راهنمایی سیدحسن سادات‌ناصری. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- جوکار، منوچهر (۱۳۸۵). ملاحظاتی در ساختار ساقی‌نامه با تأکید بر دو نمونه گذشته و معاصر. فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی. ۴ (۱۲) و ۱۳، ۹۹-۱۲۲.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۴). دیوان حافظ. به تصحیح محمد قدسی. به کوشش حسن ذوالفقاری و ابوالفضل علی محمدی. تهران: چشمه.
- حسینی کازرونی، سید احمد (۱۳۸۶). تبیین حقایق عرفانی و معرفت‌شناسی در ساقی‌نامه‌های ادب فارسی. نشریه ادبیات تطبیقی. ۱ (۲)، ۵۱-۳۱.
- خیام، عمر بن ابراهیم (۱۳۱۲). نوروزنامه. به کوشش مجتبی مینوی. تهران: کتابخانه کاوه.
- رازی، شمس قیس (۱۳۳۵). المعجم فی معاییر الأشعار العجم. تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی. با مقدمه مدرس رضوی. تهران: دانشگاه تهران.

- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۴). *سیری در شعر فارسی*. چاپ چهارم. تهران: سخن.
- سجادی، سیدجعفر (۱۳۸۰). *فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی*. چاپ هفتم. تهران: طهوری.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۸۷). *تاریخ ادبیات ایران*. تلخیص سیدمحمد ترابی. ج. اول و دوم. چاپ دهم. تهران: انتشارات فردوس.
- علیزاده شورکی، زهرا؛ صادقزاده، محمود؛ حیدری‌نیا، هادی (۱۴۰۱). معرفی و بررسی نسخه خطی کأس الکرام. *نشریه نسخه‌پژوهی و تصحیح متون*. ۱ (۱)، ۱۹۰-۱۷۷.
- فخرالزمانی، عبدالنبی بن خلف (۱۳۶۲). *تذکره میخانه*. به تصحیح احمد گلچین معانی. چاپ سوم. تهران: اقبال.
- فیض کاشانی، مصطفی (۱۳۷۱). *کلیات فیض کاشانی*. قم: اسوه (وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه).
- کاشانی، احمد بن محسن (بی تا). *نسخه خطی کأس الکرام*.
- لاهیجی، محمد بن یحیی (۱۳۹۳). *مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز*. تصحیح زهره چهکندی. تهران: تک تاج.
- میهنی، محمد بن منور (۱۳۵۷). *اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی السعید*. به اهتمام ذبیح الله صفا. تهران: طهوری.
- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۸). *کلیات نظامی گنجوی*. تصحیح حسن وحید دستگردی. به اهتمام پرویز بابایی. تهران: نگاه.

References

- The Holy Quran. (2003). Ehahi Qomsheai M. (Trans.). 9th Edition. Qom: Fatemeh Al-Zahra.
- Abulqasemi, M. (2007). Reflection on the Saqinameh of Hakim faghfur Gilani. *Research Journal of Humanities*. 14 (54), 1-18.
- Dehkhah, A. A. (1946). *Loghatnameh*. Tehran: University of Tehran.
- Feiz Kashani, M. (1992). *The Collection of Faiz Kashani*. Qom: Osveh.
- Golchin Ma'ani, A. (1983). *Anthology of Meykhaneh, Abdul Nabi fakhrolzmani Qazvini*. 3th Edition. Tehran: Eqbal.
- Hosseini kazeruni, S. A. (2007). Explanation of mystical facts and epistemology in the scriptures of Persian literature. *Comparative Literature*. 1(2), 31-51.
- Jokar, M. (2006). Considerations in the structure of the biography with emphasis on two past and contemporary examples. *Literary Research*. 4 (12-13), 99-122.
- Khayyam, O. Ebn E. (1923). *Nowruznameh*. Mojtaba Minovi (Effor.). Tehran: Kaveh Library.
- Lahiji, M. Ibn Y. (2014). *Mafatih al-E'Jaz*. Zahra Chakandi (Correc.). Tehran: Tak Taj.
- Mihani, M. Ibn M. (1978). *Asrar Al-Tohid*. Zabihullah Safa (Inter.). Tehran: Tahuri.
- Kashani, M.A. Ibn M. (?). *Manuscript of the Kasolkeram*.
- Nezami Ganjavi, E. Ibn Y. (2009). *The Collection Works*. Hassan Vahid Dastgerdi (Corr.). Parviz Babaei (Ed.). Tehran: Negah.
- Safa, Z. (2008). *The History of Iranian Literature*. Vol. 1-2. 10th Edition. Tehran: Ferdows.
- Sajjadi, S. J. (2001). *A Glossery of Mystical Terms and Expressions*. 7th Edition. Tehran: Tahuri.
- Servat, M. (1999). *The Treasure of Wisdom in Nezami Gangavi's Works*. Sadat Nasri (Effo.). 2th Edition. Tehran: Amir Kabir.
- Razi, Sh. Q. (1956). *Al-Mo'Jam*. Mohammad Qazvini (Corr.). Modares Razavi (Intro.). Tehran: University of Tehran.
- Zarinkoob, A. H. (2005). *An Expeloration in Persian Poetry*. Tehran: Sokhan.

نحوه ارجاع به مقاله:

علیزاده شورکی، زهرا؛ صادقزاده، محمود؛ حیدری‌نیا، هادی (۱۴۰۲). نگاهی به شاخصه‌های ساقی‌نامه‌سرایی در کأس الکرام معین‌الدین احمد فیض کاشانی. *فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی*. ۱۳ (۴۹)، ۴۱-۲۸.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open - access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

